

واقعیت‌های منطقه‌ای. در نتیجه درک متفاوت این دولت‌ها رویکردهای متفاوتی را در مواجهه با مسائل منطقه ایجاد کرده است. بعضاً گروهی ناراضی در یک کشور، از نظر یک دولت، گروهی آزادی‌خواه نامیده می‌شود و از نظر دولتی دیگر یک گروه تروریستی. (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۲) این وضعیت باعث تعارض منافع دولت‌های منطقه در مبارزه با تروریسم می‌شود و مسیر همگرایی را با چالش مواجه می‌سازد.

۲-۴. اقتصاد مشابه و غیرمکمل و فقدان چشم‌انداز مشترک اقتصادی

کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس کم‌وبیش دارای دولت رانتیر و اقتصاد متکی بر درآمد حاصل از فروش نفت یا گاز هستند. اقتصاد تک‌محصولی، دو مشکل اساسی برای کشورهای منطقه در راستای همگرایی اقتصادی دارد؛ از یک‌طرف درآمدهای ملی این کشورها به‌شدت به بازار مصرف خارجی و نوسانات ناشی از بازار انرژی وابسته است. از طرف دیگر این کشورها یکدیگر را رقیب خود در کسب و حفظ بازارهای مصرف انرژی در نظر می‌گیرند، و سیاست‌های صادراتی خود را علیه یکدیگر تنظیم می‌کنند. برای نمونه در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران همواره طرفدار سیاست کاهش تولید و افزایش قیمت نفت بوده و عربستان سعودی بیشتر خواهان افزایش تولید و کاهش قیمت نفت بوده است. نکته‌ی دیگر این‌که یکی از مهم‌ترین مسائل در همگرایی اقتصادی این‌است‌که اقتصاد کشورهای موردنظر باید مکمل باشد تا این کشورها در مسیر همگرایی بتوانند از مزایای همکاری اقتصادی بهره‌مند شوند؛ به‌گونه‌ای که بیشتر محصولات این کشورها در بازار درون منطقه، امکان فروش داشته باشند. در شرایط فعلی، این کشورها نمی‌توانند در مسائل مربوط به انرژی، بازار مصرف مهمی برای دیگر کشورهای منطقه باشند. مسئله‌ی دیگر این‌که، وابستگی به بازار مصرف خارج از منطقه باعث می‌شود تا نیازهای اقتصادی این کشورها به‌خصوص محصولات صنعتی و انواع تکنولوژی‌ها و سرمایه‌های لازم برای توسعه‌ی صنایع انرژی محور از طرف کشورهای توسعه‌یافته غربی یا ژاپن و چین و.. تأمین شود. در نتیجه، مبادلات ناچیز درون منطقه‌ای و عدم وابستگی اقتصادی متقابل بین این کشورها،